

شاعران لهستان



شیمبورسکا

شعر اول:

افکاری در خیابان شلوغ به سراغم می آیند
چهره ها
میلیاردها چهره بر گستره زمین
هریک متفاوت از چهره هایی که بوده اند و
خواهند بود
ولی چه کسی حقیقت طبیعت را در می یابد؟
شاید از رشته بی وقفه اش خسته شده
و ایده های گذشته اش را تکرار می کند
با نقاب کهنه بر چهره های ما
شاید از شمیدس است
که از کنار ترمی شود در لباس جین
کاترین کبیر بالباسی ارزان
چندتایی فرعون با کیف دستی و عینک!
بیوه کفایش بی پاپوش
از ورشوی همچنان کوچک
استادای از غار آلتامیرا
نوه هایش را به باغ وحش می برد.
وندال پشمالو، در مسیر موزه
برای شگفت زدگی.
فنا شدگان از دوست قرن پیش
پنج قرن پیش
نیم قرن پیش
یکی با کالسکه طلایی از این جار دشته است
و دیگری را بارابه مرگ.
موتنه زوما، کنفوسیوس و بخت النصر
دایه هایشان، رخت شور هایشان و
سمیرامیس
که فقط به انگلیسی حرف می زد.
میلیاردها چهره بر گستره زمین
چهره من، نتوان ها که هرگز نخواهد شناخت
شاید طبیعت باید فریب بدهد کم نیاورد
برای آن که موفق شود
آن چه را در آینه فراموشی غرق شده است
نجات دهد.

مترجم: بهمن طالبی نژاد

شعر دوم:

ما، بعضی وقت ها روح داریم
هیچ کسی نیست که بتواند
آن را بی وقفه داشته باشد
ممکن است روزهای پوی دربی
و سال های زیادی بگذرد
بدون این که روحی داشته باشیم.
بعضی وقت ها فقط برای لحظه ای
در ترس ها و خوشی های دوران کودکی جای
می گیرد.
گاهی هم فقط در سرگشتگی و حیرت
از این که چقدر پیر شده ایم.
به ندرت پیش می آید
که در کارهای سخت و خسته کننده کمکی بکند
مثل جابه جا کردن اثاث خانه
یا بالا بردن چمدان ها
یا فرسنگ ها راه رفتن
با کفش هایی که پا را اذیت می کنند.
معمولا هر وقت که گوستی باید خرد شود
یا فرمی باید پُر شود
پایش را از ماجرا کنار می کشد.
از هر هزار مکالمه
فقط در یکی شرکت می کند
تازه را هم آرد دلش بخواهد
چون معمولا سکوت را ترجیح می دهد.
درست وقتی که بدندان از درد، درنجور
می شود
او به مرخصی رفته و سر کار نیست.
خیلی وسواسی و نکته بین است.
دوست ندارد ما را در جاهای شلوغ و
پر سروصدا ببیند.
دوست ندارد ببیند برای رسیدن به یک سود
مشکوک، بقیه را فریب می دهیم
و نقشه های پیچیده و پنهانی، حالش را به هم
می زنند.
شادی و اندوه
برایش دو حس متفاوت نیستند.
فقط وقتی با ما همراه می شود
که این دو با هم باشند.
وقتی از هیچ چیز مطمئن نیستیم
یا وقتی برای دانستن هر چیزی، اشتیاق داریم
می توانیم رویش حساب کنیم.
از بین چیزهای مادی
ساعت های پاندول را ترجیح می دهد
و اینکه ها را که به کارشان ادامه می دهند
حتی وقتی کسی به آن ها نگاه نمی کند.
نمی گوید از کجا آمده است
یا چه زمانی برای همیشه می رود
هر چند چنین سوال هایی همیشه پیش می آیند.
ما به او نیاز داریم
اما ظاهرا
او هم به دلایلی
نیازمند ماست.

مترجم: اسموژنسکی

استاد محمود فرشچیان امروز ۹۳ ساله می شود

نگارگر ستایش جهانی از هنر ایرانی

هنر پژوهان صاحب نظر در اروپا، آمریکا و... آثار اسطوره هنر معاصر ایران را چگونه توصیف می کنند؟



افتخاری که نام ایران و هنر ایرانی را بیش از پیش در جهان بلندآوازه کرد.

هدیه ای متفاوت برای مقامات بلند پایه خارجی

در شهرت جهانی آثار فرشچیان همین بس که مقامات کشورمان هر وقت بخواهند هدیه ای به سفیران، وزیران و رؤسای دولت ها اهدا کنند، یکی از انتخاب هایشان، آثار این هنرمند بزرگ است. ژانویه ۲۰۱۵ میلادی بود که محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه سابق کشورمان در یکی از مراحل مذاکرات هسته ای، کتابی از آثار مینیاتور استاد فرشچیان را به همسایه آمریکایی اش هدیه داد. ظریف درباره این کتاب به جان کری گفت: «این مینیاتورها تصاویر نقاشی هایی با ابعاد یک متر در یک متر است ولی اگر شما به آتلیه استاد فرشچیان در نیوجرسی سری بزنید، برای دیدن ریزه کاری های تابلوی اصلی به شما در همین می دهند تا جزئیات را با دقت ببینید». او همچنین در سال ۹۴ در مراسم رونمایی از تابلوهای «شام غربیان» و «آسمان چهارم» در باره اهدای آثار استاد فرشچیان به مقامات خارجی گفته بود: «از زمانی که دکتر کمال خرازی آثار استاد فرشچیان را به عنوان وزیر امور خارجه به صورت هدیه برای سفیران کشور های خارجی در نظر می گرفت و بنده هم افتخار چنین کاری را داشتم تا زمان کنونی که مسئولیت وزارت خارجه را دارم، مهم ترین هدیه ای که به سفیران و وزیران کشورهای مختلف هدیه کردم، مجموعه آثار استاد فرشچیان بوده است.»

فرشچیان از نگاه استاد دانشگاه ادینبورگ

محمود فرشچیان سبک مخصوص خود را در نگارگری دارد. او به خوبی توانسته عناصر به سنتی و نوین ایرانی را تلفیق کند و سبک نوآورانه و پویای خود را به وجود آورد. او در عین حال از هنر غرب هم غافل نبوده و سعی کرده آن را نیز در نظر

هنر ایرانی بر دیوار ساختمانی در منهتن

جالب این که داستان ساکن شدن محمود فرشچیان در آمریکا هم به هنر او بر می گردد؛ یعنی هنرش باعث شد او در آمریکا ماندگار شود. ماجرای اقامت او در این کشور از زبان خودش خواندنی است: «در آمریکا نمایشگاهی از نقاشی های هنرمندان ایرانی برپا شده بود که من برای تماشای آن به نیویورک رفتم. در راه بازگشت به ایران بودم که فردی در همان سالن نمایشگاه گیرم انداخت و به واقع کار دستم داد. البته پسر من هم آن زمان در آمریکا زندگی می کرد. این فرد گفت، ما ساختمانی را در منهتن بنا کرده ایم. او یک شرکت طراحی ساختمان داشت و با ایران مکاتبات فراوانی را انجام داده بود تا مری پیدا کند و یک باره اتفاقی در آن جا مرا دید. می خواستند برای طاق و دیوار دو ساختمان بزرگ در منهتن نیویورک نقاشی بکشند. به چند نقاش آمریکایی و ژاپنی نمونه سفارش داده بودند، اما هیچ کدام نتوانسته بودند این کار را انجام دهند. دقیقا یادم می آید که او گفت مطمئن هستم شما می توانید. من



ویراستاری؛ زینت یا ضرورت؟!

فرایند مطلوب و کمال یافته ویرایش در نگاه نویسنده کتاب، در واقع آمیزه ای از دانش، مهارت و هنر است. با چنین ملزوماتی که ویراستار باید کسب کند، تغییر نگرش جدی در او ایجاد می شود و نتیجه اش خارج شدن از هر گونه ساده اندیشی و سهل انگاری است و دست کم نگرفتن حرفه ویراستاری. ویراستار باید به «فرایند بررسی اطلاعات به قصد ارتقای ساختار، محتوا...» (ص ۱۲۶) اهتمام جدی داشته باشد.

تنش های ویراستاری

در این کتاب، نویسنده ما را با موضوعی آشنا می کند که سرچشمه اصلی تنش در ویراستاری است؛ نگاه تنگ و فراخ به ویرایش. حرفه ای پر تنش که می تواند زمینه ساز سوءتفاهم ها و سوءنیت ها واقع شود. آذرننگ با آسیب شناسی دقیق ویرایش، علت اصلی آن را ناکارآمدی اقتصادی کتاب و سوءمدیریت نشر می داند. «شلختگی از جمله پدیده هایی است که تأثیر تربیتی بهمن واری دارد. رفته رفته جایی ثبت نام کنیم. پرسید: «اسم شما؟» او نوشت: «عبدل حسین آذرننگ». گفتیم: «خیلی بیخشید، لطفاً اصلاح بفرمایید: عبدالحسین آذرننگ.» با لحنی درآمیخته به اعتراض و استهزا و بی تفاوتی گفت: «چه فرقی می کند؟». دیگر مرزی در زبان فصیح فارسی نبوده است که نشکسته باشد. راهی مانده سگر «بازگشت به سرچشمه ها، ریشه ها، آشخورها، عامل ها و علت های اصلی» (ص ۳۰۸-۳۱۰).

انقلاب های الکترونیک

با توجه به گسترش حوزه ارتباطات و تأثیر روزافزون انقلاب های الکترونیک و ارتباطی در

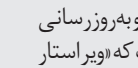
ویرایش، بهترین تعبیر از روزآمدی و به روزرسانی ویرایش در این جملات نهفته است که «ویراستار چه بخواد و چه نخواهد، چه بداند و چه نداند، «پیام بانی»، «پیام رسانی» و «پیام پردازی» هم می کند. هیچ ویراستاری در جامعه های پهنجار دیگر نمی تواند بدون مهارت های کار بارایانه، پایگاه ها، شبکه ها، سامانه های اطلاع رسانی و نرم افزارهای اطلاعاتی شغل خود را حفظ کند (ص ۱۶۱) هر چند باید اذعان کرد که در حرفه ها و تخصص هایی مثل ویراستاری، برداشت جامعه از آن ها با واقعیت شان یکسان نیست. (ص ۱۸۷)

سامانه دستیاری

راه چاره اصلی برای برون رفت از تشنگت آرا و تکرر سلیقه ها جدی گرفتن سامانه دستیاری است. «مهم ترین اصلی که عمیقاً به آن معتقد شدم و پایدار ماندم... اهمیت نظام و سامانه دستیاری (دوره تربیت و آماده گری) است. یکی از علت های تکثیر ویراستاران کرگدنی، نبودن همین نظام دستیاری است.» (ص ۱۸۸)

شیوه نامه؛ قانون اساسی نشر

داشتن شیوه نامه ای با بیشترین امتیازهای زبانی و فنی، توافق شده نخبگان و ملاحظات خاص شبکه های اجتماعی و دنیای مجازی از ضرورت های ویراستاری است. نکته ای که آذرننگ آن را «قانون اساسی نشر» می داند و بارها یادآوری می کند که «شیوه نامه به منزله قانون اساسی نشر و ویراستاری است که مادر سایر قانون ها و همه ضابطه ها است. رسم الخط فرهنگستان زبان و ادب فارسی هم نتوانسته از پس مشکل عمومی برآید.» (ص ۳۰۶ و ۳۰۷)



ویرایش، بهترین تعبیر از روزآمدی و به روزرسانی ویرایش در این جملات نهفته است که «ویراستار چه بخواد و چه نخواهد، چه بداند و چه نداند، «پیام بانی»، «پیام رسانی» و «پیام پردازی» هم می کند. هیچ ویراستاری در جامعه های پهنجار دیگر نمی تواند بدون مهارت های کار بارایانه، پایگاه ها، شبکه ها، سامانه های اطلاع رسانی و نرم افزارهای اطلاعاتی شغل خود را حفظ کند (ص ۱۶۱) هر چند باید اذعان کرد که در حرفه ها و تخصص هایی مثل ویراستاری، برداشت جامعه از آن ها با واقعیت شان یکسان نیست. (ص ۱۸۷)

سامانه دستیاری

راه چاره اصلی برای برون رفت از تشنگت آرا و تکرر سلیقه ها جدی گرفتن سامانه دستیاری است. «مهم ترین اصلی که عمیقاً به آن معتقد شدم و پایدار ماندم... اهمیت نظام و سامانه دستیاری (دوره تربیت و آماده گری) است. یکی از علت های تکثیر ویراستاران کرگدنی، نبودن همین نظام دستیاری است.» (ص ۱۸۸)

شیوه نامه؛ قانون اساسی نشر

داشتن شیوه نامه ای با بیشترین امتیازهای زبانی و فنی، توافق شده نخبگان و ملاحظات خاص شبکه های اجتماعی و دنیای مجازی از ضرورت های ویراستاری است. نکته ای که آذرننگ آن را «قانون اساسی نشر» می داند و بارها یادآوری می کند که «شیوه نامه به منزله قانون اساسی نشر و ویراستاری است که مادر سایر قانون ها و همه ضابطه ها است. رسم الخط فرهنگستان زبان و ادب فارسی هم نتوانسته از پس مشکل عمومی برآید.» (ص ۳۰۶ و ۳۰۷)

فرهنگی هنری

رونمایی از کتاب ۸ جلدی «نیشابور بزرگ»



نشست رونمایی از دانشنامه ۸ جلدی «نیشابور بزرگ» در دانشگاه تهران برگزار شد. به گزارش ایسنا، مراسم رونمایی از کتاب ۸ جلدی «دانشنامه نیشابور بزرگ»، تألیف امید مجد با حضور دبیر کل یونسکو در ایران و جمعی از استادان و دانشجویان دانشکده ادبیات در تالار فردوسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران برگزار شد. مجد در این مراسم گفت: ما برای نگارش این کتاب، تمام تاریخ نیشابور را خوانده ایم. برای مثال، در قسمت ر، جال و مشاهیر، حدود ۸ هزار اسم و داستان را برررسی کردیم که هرگز نامشان را نشنیده بودیم.

تلاش های یونسکو برای ارتقای کیفی نیشابور

علی اکبر متکان، دبیر کل یونسکو در ایران نیز درباره اقدامات صورت گرفته از سوی یونسکو برای ارتقای کیفی این شهر گفت: تاکنون یونسکو تلاش هایی کرده است تا پرونده نیشابور به عنوان یک شهر خلاق در فهرست ملی میراث های یونسکو ثبت جهانی شود. همچنین پرونده دیگر در حال تهیه یونسکو، ایجاد گذرگاهی فرهنگی بین مقبره خیام و عطار نیشابوری است. منوچهر اکبری، استاد زبان و ادبیات دانشگاه تهران نیز با اشاره به دلایل اهمیت این کتاب بر جمع به نکاتی که باید در نسخه های تکمیلی آن اصلاح شود، اشاره کرد و گفت: «دانشنامه» کتابی مرجع است، خلاصه آخرین تحقیقات و مقالات تمام شده که باید تا ۵۰ سال ماندگاری داشته باشد تا بتوان به آن استناد کرد. در این که نام این دانشنامه به جای دانشنامه بزرگ نیشابور، «دانشنامه نیشابور بزرگ» گذاشته شده است، باید به نویسندگان این اثر تبریک گفت؛ چرا که این شهر از اولین شهرهای مقاومت در مقابل حمله مغول هاست.

این ویرانه، خانه یک شاعر
پرواز هاست!



نام عارف قزوینی شاعر و تصنیف ساز و سراینده شعر شناخته شده «از خون جوانان وطن لاله دمیده»، این روزها دوباره بر سر زبان ها افتاده است اما نه به دلیل هنر های متعددی که به آن ها مسلط بود. ما جز از این قرار است که خانه متناسب به «عارف قزوینی» سال هاست وضعیت خوبی ندارد و با وجود عده های واهی به ویرانه ای تبدیل شده که آخرین نفس هایش را می کشد. به گزارش ایسنا، می گویند این خانه، تنها یادگار عارف قزوینی در قزوین است که در وضعیت خیمی قرار دارد و تقریباً بخش زیادی از آن تخریب شده است و این روزها نیز فقط گردبوی توجهی وی به مری بر چهره خانه متناسب به «عارف» نشسته است و حتی ثبت این خانه در فهرست میراث ملی در سال ۸۴ که می توانست قدم مؤثری برای نجات آن باشد، در حفظ آن مؤثر نبوده است. مالکان خانه هم گویی دغدغه ای برای حفظ این خانه تاریخی ندارند. سعیدزاده پور، کاشف میراث قزوین درباره آخرین وضعیت این خانه می گوید: برای حفظ خانه متناسب به «عارف» چند بار از سوی شهرداری وعده هایی داده شد؛ اما سرانجام تمام این وعده ها به وضعیت کنونی خانه «عارف» منتهی شده است.

ارسال ۸ هزار و ۶۲۷ اثر

به جشنواره هنر های تجسمی فجر

دبیر کل پانزدهمین جشنواره هنر های تجسمی فجر با اشاره به تمرکززدایی از پایتخت در برگزاری جشنواره گفت: امسال ۸ هزار و ۶۲۷ اثر از ۳ هزار و ۸۰۱ نفر به پانزدهمین جشنواره هنر های تجسمی فجر ارسال شده است. به گزارش خبرگزاری صداوسیما، نشست رسانه ای پانزدهمین جشنواره تجسمی فجر با حضور سیدعباس میرهاشمی دبیر کل پانزدهمین جشنواره موسیقی تجسمی فجر و عبدالرضا سهرابی مدیر کل مرکز هنر های تجسمی و رئیس شورای سیاست گذاری جشنواره تجسمی فجر برگزار شد. دبیر جشنواره تجسمی فجر در این نشست گفت: در این جشنواره سعی کردیم همه سطوح را در نظر داشته باشیم تا به رشته های مختلف و موضوعات متنوع پرداخته شود. داور رشته های کاریکاتور، تصویر، عکاسی، گرافیک، در یک مرکز حله رشته های خوشنویسی، نگارگری و حجم در دهم حله انجام شد. همچنین بخش «طوبای زرین» را با هشت رشته در جشنواره امسال داریم.